

کتاب آبله و سرخک

محمدعلی ابوعلی

کلیدواژه‌ها: محمدبن زکریای رازی، الجدری و الحصبة، آبله، سرخک.

اشاره

اگر در طول تاریخ علم کتابی پس از تألیف، طی حدود ۳۵۰ سال حدوداً ۳۵ بار به زبان‌های گوناگون ترجمه و منتشر شده باشد، می‌توانیم بگوییم کتاب بسیار مهمی بوده است. کتاب «الجدری و الحصبة» که یکی از تألیفات ابوبکر محمدبن زکریای رازی (۲۵۱-۳۱۳ هـ.ق) است، چنین کتابی است. عنوان این کتاب را می‌توان «کتاب آبله و سرخک» ترجمه کرد، چون در زبان عربی برای بیماری «سرخک» واژه «حصبة» به کار می‌رود. کتاب آبله و سرخک یکی از بارزترین آثار پزشکی در جهان اسلام است، چون محمدبن زکریای رازی اولین پزشکی است که این دو بیماری را به خوبی می‌شناخته و توانسته است برای اولین بار آن‌ها را از هم تشخیص بدهد.*

پیشینه

رسالة «الجدری و الحصبة» همان‌گونه که از عنوانش پیداست، در اصل به زبان عربی نوشته شده؛ اما پس از چندی به زبان سریانی، بعد به یونانی و سپس به لاتینی ترجمه شده است. چندین نوع از نسخه‌های این رساله با عنوان‌های «درباره طاعون^۱» و «درباره آبله و سرخک» وجود دارد. این رساله در سال ۷۵۰ میلادی به لاتین و در سال ۹۵۵ میلادی به یونانی و در سال ۱۳۴۳ ش. به فارسی ترجمه و منتشر شد.

البته پیش از رازی نیز نوشته‌هایی مختصر درباره این بیماری‌ها نوشته شده است. مثلاً ثابت بن قره (۲۲۱-۲۸۸ هـ.ق) پیش از رازی کتابی با همین عنوان نوشته

که فقط یک از آن نسخه در کتابخانه حلب موجود است. به علاوه، علی بن سهل طبری (متولد ۱۹۲ هـ.ق) نیز در شرح و توصیف بیماری آبله مطالبی به رشته تحریر درآورده است. او نوشته است که بر اثر این بیماری چشم‌ها و صورت سرخ می‌شوند، گرمای خون افزایش می‌یابد، سر و بدن سنگین و بینی بسته می‌شود؛ بیمار عطسه می‌کند و دچار غم و اندوه می‌شود.

سبب تألیف

رازی در کتاب «آبله و سرخک» با نظم، ترتیب و انسجامی که امروزه رایج است، به شرح این دو بیماری پرداخته است.^۱ او از دوره نهفتگی بیماری آغاز کرده و سپس



به نحوه سرایت و دوره بیماری و بحران، خطرها، عواقب، عوارض و شیوه‌های دوری از آن پرداخته است. آکاستیلیونی^۲ استاد تاریخ پزشکی در کتاب تاریخ طب^۳ چنین نوشته است: «در تاریخ پزشکی، مهم‌ترین اثر رازی کتاب «آبله و سرخک» است. «...این کتاب فقط براساس تجربه‌ها و مشاهده‌های شخصی او نوشته شده است و معلوم می‌کند که او بیماران را با دقت معاینه می‌کرده است.»

رازی خود در مقدمه سبب تألیف این کتاب را چنین شرح داده است: «شبی در مجلس مرد محترم و فاضلی بودم که به شرح دانش‌های سودمند و آسان گرداندن راه آن‌ها برای مردم علاقه فراوان داشت. در آن مجلس صحبت از بیماری آبله به میان آمد. من آنچه در آن شب در نظر داشتم، بیان کردم. آن مرد - که خداوند او را عمر دراز دهد - مایل بود مقاله‌ای در باب این بیماری بنویسم که از هر حیث نافع و جامع باشد، چون او درباره آبله از هیچ یک از قدما و متأخران به منظور توضیح این بیماری مطلبی به طور کامل و کافی ندیده بود. لذا این مقاله را برای ثواب خداوند عزوجل و خشنود ساختن آن مرد نوشتم.»

محتوا

کتاب «آبله و سرخک» چهارده فصل

دارد.

● فصل اول، در ردّ نظر کسانی است که بر جالینوس خرده گرفته بودند که او بیماری آبله را نمی‌شناخته و لذا ذکری از آن به میان نیاورده است. رازی در این فصل به نقل از برخی کتاب‌های جالینوس (از جمله

کتاب النبض) علت آبله را تعفن شدید خون و باقی مانده غذاهایی که در بدن به خون مبدل نمی‌شوند، دانسته است؛ اما به عقیده وان دایک (ص ۷۵ - ۷۶)، جالینوس این بیماری را نمی‌شناخته و رازی به علت خطایی که در ترجمه آثار جالینوس روی داده، چنین پنداشته است. البته رازی در این فصل علت بروز این بیماری را وجود رطوبت و گرما در خون و زمان بروز آن را هنگام غلیان و عفونت در خون دانسته و افزوده است که چون گرما و رطوبت خون کودکان و نوجوانان بیشتر است، آنان بیشتر به این بیماری مبتلا می‌شوند. او سپس تبدیل خون از حالتی به حالت دیگر و تغییر کمی و کیفی آن را در سنین مختلف شرح داده و افزوده است که هیچ‌کس از ابتلا به بیماری آبله مصون نیست، حتی پیران که احتمال ابتلای آنان هنگام شیوع آبله افزایش می‌یابد.

● فصل دوم به زمان و وضعیت افرادی که دچار این بیماری می‌شوند اختصاص دارد. رازی در این فصل مزاج‌های مرطوب و اشخاص سفیدپوست، چاق و سرخ‌رو و کسانی را که در خوردن شیرینی (به‌خصوص خرما، عسل، انجیر، انگور، حلواها و پالوده‌ها) و شیر



ترش و توت و ریواس به آنان بدهند. او در این فصل دستور غذای بیماران را بیشتر غذاهای خنک کننده همراه با انواع ترشی دانسته، آن‌ها را بسته به نوع مزاج و طبع و با توجه به حالت‌های بیمار، شرح داده و آنان را از خوردن غذاهای گرم و شیرین برحذر داشته است. او سپس نام بعضی از رگ‌های بدن را برای گرفتن خون ذکر کرده و نوشاندن آب بسیار سرد را به بیمار توصیه کرده است.

● فصل ششم در بیان نوشیدن آب بسیار سرد، بخار دادن به بدن برای گشودن منافذ پوست و بیرون ریختن بثورات جلدی و مانند آن‌هاست.

● فصل هفتم درباره نحوه مراقبت از چشم‌ها، گوش‌ها، بینی، حلق و مفاصل بیمار است تا این اندام‌ها از آبله دور بمانند. مثلاً چکاندن آب سرد و گلاب در چشم و غرغره کردن آب انار ترش را مفید دانسته است.

● فصل هشتم درباره چگونگی کمک به رسیدن دانه‌های آبله و گشوده شدن آن‌هاست.

● فصل نهم درباره شیوه خشک کردن دانه‌های آبله است.

● فصل دهم درباره چگونگی رفع پوسته‌های خشک شده و به جای مانده از دانه‌های آبله است.

● فصل یازدهم درباره موادی است که آثار آبله را از چشم و دیگر نقاط بدن می‌زدایند، مانند بوره، نشادر، کف دریا.

● فصل دوازدهم به دستورهای غذایی بیمارانی که دچار آبله و سرخک شده‌اند، با توجه به نوع مزاج بیمار، اختصاص دارد. مثلاً، رازی ماء‌الشعیر مخلوط با آب انار ترش

افراط می‌کنند، مستعد این بیماری دانسته است. او بدن‌های لاغر و مزاج‌های صفراوی و خشک را مستعد سرخک، ولی مصون از آبله، دانسته است. به نظر او آبله در اواخر پاییز، اوایل بهار و نیز در تابستان‌های پر باران که بادهای گرم جنوبی می‌وزند، شایع می‌شود؛ اما سرخک در تابستان یا پاییز بسیار گرم و خشک، اشخاص مستعد را مبتلا می‌کند.

● فصل سوم به علائم آبله اختصاص دارد: تب مطبقه، کمردرد، خارش بینی، بی‌خوابی، مور مور شدن همه بدن، پف کردن و برافروخته شدن صورت، سرخ شدن گونه‌ها و چشم‌ها و سنگین شدن بدن. رازی در انتهای این فصل از آبله خوش خیم (آبله مرغان) نیز یاد کرده است.

● فصل چهارم به کلیاتی درباره راه‌های درمان آبله اختصاص دارد.

● فصل پنجم، به توصیه‌هایی برای پیشگیری از آبله اختصاص دارد. رازی در این فصل توصیه می‌کند که باید کودکان کمتر از چهارده سال را حجامت و افراد بزرگ‌تر از آن را فصد کنند؛ به‌ویژه در فصول بروز آبله، او همچنین توصیه کرده است که بهتر است به کودکان آب خنک با یخ بنوشانند، بستر آنان را مرطوب کنند و میوه‌های ترش، مانند انار



را برای بیمار آبله‌ای بسیار مفید و برای بیمار مبتلا به سرخک مفیدتر دانسته است.

پس از رازی

پس از رازی، علی بن عباس مجوسی (مکتوفی ۳۷۲) در کامل الصنعه سرخک را نوعی آبله دانسته، اما شیوه درمانی او برای سرخک به شیوه رازی شباهت بسیاری دارد. این سینا نیز سرخک را آبله صفاوی دانسته است. از نظر او سرخک فقط پوست بدن را مبتلا می‌کند و جز این، در بیشتر موارد، تفاوتی میان این دو بیماری نیست. علائم و شیوه درمانی این سینا با محتوای کتاب «آبله و سرخک» شباهت بسیار دارد.

پی‌نوشت

* به سرمقاله شماره ۸۹ همین مجله (زمستان ۹۱) مراجعه کنید.

۱. چون مترجم آن G. Valla آن را De Pestilentia به معنی طاعون ترجمه کرده است.

2. A. Castiglioni
3. Histoire de la Medecine

منابع

۱۰. علی بن عباس مجوسی، کامل اصنعه الطیبیه، بولاق ۱۲۹۴؛ خانابامشار، فهرست کتاب‌های چاپی فارسی، تهران ۱۳۵۰ - ۱۳۵۵ ش
۱۱. محمود نجم‌آبادی، آبله و سرخک از نظر رازی و مقایسه آن با موزین طب امروز، در مجموعه مقالات درباره طب سنتی ایران، تهران: مؤسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی، ۱۳۶۲ ش
۱۲. محمدبن زکریای رازی، مؤلفات و مصنفات، تهران ۱۳۷۱ ش
۱۳. کونلیوس وان آلن وان دایک، رساله فی الجدری و الحصبه، چاپ کورنلیوس وان آلن وان دایک، بیروت ۱۸۷۲
14. Carl Brockelmann, Geschichte der arabischen Litteratur, Leiden 1943 - 1949
15. Muhammad B. Zakariyya, A treatise on the small-pox and measles. Tr. William Alexander Greenhill, London 1848
16. Fuat Sezgin, Geschichte des arabischen Schrifttums, Leiden 1967

۱. خضرای، مستوره، الجدری و الحصبه، پایگاه اطلاع‌رسانی بنیاد دایره‌المعارف اسلامی
۲. ایرج افشار و محمدتقی دانش‌پژوه، ابن سینا، فهرست نسخه‌های خطی کتابخانه ملی ملک، ج ۷، تهران ۱۳۶۹ ش
۳. محمدبن زکریای رازی، تقاسیم العلیل: کتاب التقسیم والتشجیر، تحقیق و ترجمه صبحی محمود حمامی، حلب ۱۹۹۲/۱۴۱۲
۴. محمدبن زکریای رازی، الحاوی فی الطب، حیدرآباد دکن، ۱۳۷۴-۱۳۹۰/۱۹۵۵-۱۹۷۱
۵. محمدبن زکریای رازی، کتاب فی الجدری و